

چهل میلیون ریال بدل از سه سال حبس تعزیری و صدور حکم بر برائت آقایان دکتر (د. ط) و (ن. ر) بلحاظ عدم احراز عنصر معنوی - سوء نیت، که در تاریخ ۷۸/۱۱/۴ ابلاغ گردیده غیرموجه و مردود است. حق در مقام آتست که دادنامه صادره مغایرتی با موازین شرعی و مقررات قانونی ندارد و از آنجا که اعتراض مستدل و ایراد مؤثر و موجبی که اقتضاء نقض و تصحیح دادنامه موصوف را بنماید ارائه و مطرح نگردیده علیهذا با رد تجدیدنظر خواهی دادنامه معترض عنه به هیأت مرقوم تأیید می گردد. این رأی قطعی است.

مستشاران شعبه . . .

دادگاه تجدیدنظر استان تهران . . .

۳-۱۵۵ نامه شماره ۷۸/۱۲/۲۸/۶۰۸۲۹/۴۰ شعبه چهارم دیوانعالی کشور در نقض دادنامه تجدیدنظر:

خلاصه جریان پرونده: آقای (م. ج) به اتهام کلاهبرداری و فروش مال غیر تحت تعقیب شعبه ۱۲۱۰ دادگاه عمومی تهران قرار گرفته بدین توضیح که در تاریخ ۷۶/۲/۲۲ آقای (ف. م) به وکالت از آقای دکتر (د. ط) علیه آقایان (م. ج) و (ن. ر) تقدیم مجتمع قضائی میرداماد نموده و خلاصتاً اعلام داشته متشکی عنهما بموجب صلحنامه عادی مورخه ۷۱/۱۲/۵ ابتدا ۱/۵ دانگ متنازع از ششدانگ حق اعیانی ریشه اولویت و تصرف یک قطعه زمینی به مساحت ۶۴۵ مترمربع واقع در ملاصدرا در در قبال نه میلیون و ششصد هزار ریال بموکل فروخته اند و متقابلاً موکل ۵/۰ دانگ خود را بموجب اقرار نامه مورخه ۷۲/۳/۳۱ به نامبردگان مسترد نموده است متعاقباً مشخص گردید اصولاً نامبردگان مالکیتی در حق اعیانی نداشته و نهایتاً ملک بنام ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) بوده و در خاتمه تقاضای تعقیب قانونی نامبردگان را نموده است در تحقیقاتی که از آقای (م. ج) بعمل آمده از شکایت شاکی اظهار بی اطلاعی کرده و در تحقیقاتی که از آقای (ن. ر) بعمل آمده ضمن مدافعاتی خلاصتاً اظهار داشته هیچگونه مسؤولیتی در مقابل هیچکس نداشته و دادگاه پس از رسیدگی طبق دادنامه شماره: ۷۸/۸/۱۷-۱۲۰۸۱۲۰۹ چنین رأی صادر کرده است (در خصوص شکایت (د. ط) علیه (م. ج) دایر به کلاهبرداری و فروش مال غیر موضوع قرارداد های عادی فیما بین در مورد یک قطعه زمین به مساحت تقریبی ۶۴۵ متر مربع واقع در خیابان ملاصدرا هر چند که این اراضی از اموال مصادره ای می باشد و دلیلی بر مالکیت اعیانی و حق ریشه و غیره وجود ندارد که (م. ج) ارائه نماید و حتی وکالتی که (م. ج) به (ن. ر) و (د. ط) داده دلیل برداشتن حق و حقوقی نمی باشد معهما از آنجا که (د. ط) از ابتدای قرارداد در جریان کامل این زمین بوده و طبق مفاد قرار داد بنا براین بوده که چنانچه در تصاحب زمین موفقیت حاصل نکردند چکها مسترد شود. موضوع

دلیلی بر مالکیت اعیانی و حق ریشه و غیره وجود ندارد که (م. ج) ارائه نماید و حتی وکالتی که (م. ج) به (م. ج) و (د. ط) داده دلیل برداشتن حق و حقوقی نمی باشد. معهما از آنجا که (د. ط) از ابتدای قرارداد در جریان کامل این زمین بوده و طبق مفاد قرارداد بنا براین بوده که چنانچه در تصاحب زمین موفقیت حاصل نکردند چکها مسترد شود. موضوع از مصادیق کلاهبرداری و فریب و تقلب نمی باشد و مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی و با عنایت به توافق نامه های ارائه شده و سلب حق شکایت فروش مال غیر از ناحیه شاکی رأی بر برائت متهم فوق الذکر از یزه کلاهبرداری صادر می شود ولی در مورد شکایت (د. ط) علیه (م. ج) مبنی بر وصول چکهای امانی از ناحیه (د. ط) که کارشناس منتخب دادگاه امضاء (د. ط) را جعل و هیأت کارشناسی نیز جعلی بودن و سفید امضاء بودن ورقه مورد بحث را اعلام نموده اند. بزهکاریش در این مورد محرز و مسلم و جعل و استفاده از سند معمول را در این قضیه مقدمه جرم خیانت در امانت دانسته مستنداً به ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات حکم به محکومیت وی به تحمل سه سال حبس تعزیری صادر می شود از آنجا که متهم (م. ج) فاقد پیشینه محکومیت کیفری است و شخصی معیل و استحقاق تخفیف در مجازات را دارد مستنداً بماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۲۸ قانون تعزیرات سه سال حبس وی به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی تخفیف و تبدیل می شود در مورد شکایت (م. ج) علیه (د. ط) دایر به کلاهبرداری و خیانت در امانت و نیز اتهام (ن. ر) دایر به کلاهبرداری با توجه به محتویات پرونده بلحاظ فقد دلیل کافی و عدم احراز سوء نیت متهمین و رعایت اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر برائت آنها صادر می شود رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی تجدیدنظر تهران می باشد.

رئیس شعبه . . . دادگاه عمومی تهران . . .

۲- دادنامه شماره ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در تأیید دادنامه بدوی

تجدیدنظر خواهی مورخه ۷۸/۱۱/۲۳ آقای (م. ج) با وکالت آقای (غ. ک) کارآموز محترم وکالت و وکیل نامبرده به طرفیت آقای دکتر (د. ط) نسبت به دادنامه شماره ۷۸/۸/۱۷-۱۲۰۸۱۲۰۹ شعبه . . . دادگاه عمومی تهران مبنی بر عدم احراز بزه منتسب به کلاهبرداری صدور حکم بر برائت تجدیدنظر خواه از این اتهام و احراز بزه خیانت در امانت و جعل و سوء استفاده از سند معمول و صدور حکم به محکومیت نامبرده به پرداخت مبلغ

تعیین مجازات مجرم

عدم رعایت مفاد ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی در تعیین مجازات مجرم اشتباه است. کیفر مجرم باید مطابق قوانین موضوعه حین ارتکاب جرم باشد مگر اینکه قانون مؤخر التصویب هنگام انشاء رأی اخف از قانون قبل باشد. توجه خوانندگان محترم را به آراء صادره در این خصوص جلب می نمایم.

۱- دادنامه شماره ۷۸/۲/۷۸-۱۲۰۹۱۷/۱۲۰۸ شعبه ۱۲۱۰ دادگاه عمومی تهران در خصوص شکایت (د. ط) علیه (م. ج) دایر به کلاهبرداری و فروش مال غیر موضوع قرارداد های عادی فیما بین در مورد یک قطعه زمین به مساحت تقریبی ۶۴۵ متر مربع واقع در خیابان ملاصدرا هر چند که این اراضی از اموال مصادره ای می باشد و

دادگاه تجدیدنظر (شعبه همعرض):

به دلالت محتویات پرونده آقای... بر اساس شکایت آقای (د. ط) به اتهام خیانت در امانت (اقدام به وصول چکهای امانی) مستنداً به ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی بدو به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم و سپس با اعمال ماده ۲۲ قانون مرقوم به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی تبدیل می گردد. (دادنامه شماره ۱۲۰۸-۱۲۰۹ مورخ ۱۷/۸/۷۸ شعبه ۱۲۱۰ دادگاه عمومی تهران) رأی صادره با اعتراض محکوم در شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مطرح که عیناً تأیید گردیده است (دادنامه شماره ۱۰۱۴ و ۱۰۱۵) با تجدیدنظر خواهی فوق العاده محکوم علیه پرونده از طریق دادستانی کل

مطابق قانون، کیفر مجرم باید مطابق

قوانین موضوعه حین ارتکاب جرم باشد مگر اینکه قانون مؤخر التصویب هنگام انشاء رأی اخف از قاضی قبل باشد علیهذا از جهت مذکور رأی محکومیت غلط است

در شنبه چهلم دیوانعالی کشور مطرح و شعبه مزبور بموجب دادنامه شماره ۴۰/۶۰۸/۴۰ مورخ ۱۲/۲۸/۱۳۷۹ تجدیدنظر خواهی فوق العاده را وارد دانسته و با نقض رأی شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر پرونده را جهت رسیدگی مجدد به شعبه همعرض ارجاع که اینک دادگاه نظر بر مراتب فوق و ملاحظه محتویات پرونده تجدیدنظر خواهی را از حیث استناد به ماده قانونی و تعیین مجازات وارد میداند زیرا به دلالت سند عادی مورخ ۱۲/۶/۷۱ چکهای مورد بحث در تاریخ مذکور به عنوان امانت درید آقای... قرار گرفته است و نامبرده دلیلی بر استرداد چکها به تجدیدنظر خوانده (د. ط) اقامه ننموده و اسناد وی به سند عادی ۱۷/۴/۷۳ (صفحه چهل پرونده) به دلیل مجموع و مخدوش تشخیص شدن آن بر اساس نظریه هیأت کارشناسی موجه نبوده و مردود می باشد اما آنچه مسلم است عدم استرداد چکها (خیانت در امانت) در زمان حاکمیت قانون تعزیرات پیشین بوده و محکومیت وی بر اساس قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ مبتنی بر اشتباه است. از این رو دادگاه ضمن تأیید دادنامه معترض عنه از حیث اساس مجرمیت مستنداً به ماده ۱۱۹ قانون تعزیرات پیشین (قانون زمان وقوع جرم) و رعایت بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۹ ضمن اصلاح مواد استنادی دادگاه بدوی مجازات وی را نیز به پرداخت مبلغ پنج میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق تبدیل و مستنداً به ماده ۲۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره ۳ ذیل آن رأی معترض عنه را تأیید می نماید رأی صادره قطعی است. رئیس شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران... مستشار دادگاه...

است ایراد دیگری که بر حکم وارد است این نکته می باشد که دادگاه ابتدائاً حداکثر کیفر حبس سه سال را بر اساس ماده ۶۷۴ تعیین و سپس با اعمال تخفیف به چهار میلیون جزای نقدی تبدیل کرده است در حالی که با اعمال مقررات باب تخفیف دادگاه می باید حتی از حداقل کیفر قانونی در مورد استناد خودش که شش ماه حبس می شود نیز پائین تر بیاید نه اینکه اکثر کیفر را اعمال و سپس در جهت اعمال تخفیف به جزای نقدی چهار میلیون تبدیل کند.

نکته دیگر در موضوع این است که قانون جمل (۱۱۹) تعزیرات سابق فقط تا ۷۴ ضربه شلاق پیش بینی کرده است که با اعمال تخفیف نسبت به این کیفر قانونی محکومیت به پرداخت این میزان جزای نقدی در حقیقت تخفیفی محسوب نمی شود و علیهذا صدور حکم محکومیت بنحو فوق و ابرام در مرحله تجدیدنظر استان صحیح نبود عقیده به اعمال ماده ۲۶۹-د. ک و نقض دادنامه ۵-۱۰۱۴-۳۰/۷/۷۹ شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دارم) که این نظریه مورد موافقت آقای دادیار دیگر دادرسی دیوانعالی کشور و کمیسیون دادرسی و موافقت جناب آقای دادستان کل قرار گرفته و سپس پرونده به دیوانعالی کشور ارسال و به این شعبه ارجاع گردیده است. هیأت شعبه در تاریخ بالا تشکیل گردیده پس از قرائت گزارش آقای... عضو ممیز و بررسی اوراق پرونده و نظریه کتبی آقای... دادیار محترم دیوانعالی کشور اجمالاً مبنی بر (با توجه به گزارش دادرسی دیوانعالی کشور و نظریه مورخه ۳۰/۱۱/۷۹ دادستان محترم کل کشور نقض قضای نقض دارم) در خصوص درخواست اعمال ماده ۲۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب توسط دادستان محترم کل کشور نسبت به دادنامه شماره ۱۰۱۵-۱۰۱۴-۳۰/۷/۷۹ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مشاوره نموده و چنین رأی می دهد:

بسمه تعالی

با ملاحظه محتویات پرونده درخواست جناب آقای دادستان کل مبنی بر نقض دادنامه شماره ۱۰۱۵-۱۰۱۴-۳۰/۷/۷۹ صادره از شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران دائر بر تأیید دادنامه شماره ۱۲۰۹-۱۲۰۸-۱۷/۸/۷۸ صادره از شعبه ۱۲۱۰ دادگاه عمومی تهران بشرح نظریه آقای دادیار دادرسی دیوانعالی کشور موجه بوده و منطبق با مقررات ماده ۲۶۹ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب می باشد علیهذا مستنداً به ماده مرقوم ضمن نقض دادنامه مذکور پرونده به شعبه دیگر هم عرض دادگاه تجدیدنظر استان تهران ارجاع می گردد.

رئیس شعبه چهلم دیوانعالی کشور...
مستشار دیوانعالی کشور...
۴- دادنامه شماره ۱۶۸۲۸۰/۱۰/۳ شعبه ۱۲

از مصادیق کلاهبرداری و فریب و تقلب نمی باشد و مستنداً به اصل ۳۷ قانون اساسی و با عنایت به توافق نامه های ارائه شده و سلب حق شکایت فروش مال غیر از ناحیه شاکی رأی بر برائت متهم فوق الذکر از بزه کلاهبرداری صادر می شود ولی در مورد شکایت (د. ط) علیه (م. ج) دائر به خیانت در امانت و اقدام و وصول چکهای امانی و نیز ارائه اقرار نامه جعلی از ناحیه (م. ج) مبنی بر وصول چکهای امانی از ناحیه (د. ط) که کارشناس منتخب دادگاه امضاء (د. ط) را جعل و هیأت کارشناس نیز جعلی و استفاده از سند معمول را در این قضیه مقدمه جرم خیانت در امانت دانسته مستنداً به ماده ۶۷۴ قانون تعزیرات حکم به محکومیت وی به تحمل سه سال حبس تعزیری صادر می شود و از آنجا که متهم (م. ج) فاقد پیشینه محکومیت کیفری است و شخصی معیل و استحقاق تخفیف در مجازات را دارد مستنداً به ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۷۲۸ قانون تعزیرات سه سال حبس وی به پرداخت چهل میلیون ریال جزای نقدی تخفیف و تبدیل می شود و در مورد شکایت (م. ج) علیه (د. ط) دائر به کلاهبرداری و خیانت در امانت و نیز اتهام (ن. ر) دائر به کلاهبرداری با توجه به محتویات پرونده بلحاظ فقد دلیل کافی و عدم احراز سوء نیت متهمین و رعایت اصل ۳۷ قانون اساسی رأی بر برائت آنها صادر می شود رأی صادره حضوری و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم عمومی تجدیدنظر استان می باشد) آقای (م. ج) با وکالت آقای (ع. ک) نسبت به دادنامه مذکور اعتراض و تجدیدنظر خواهی کرده شعبه ۱۳ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طبق دادنامه شماره: ۱۰۱۵ و ۱۰۱۴-۳۰/۷/۷۹ دادنامه تجدیدنظر خواسته را تأیید کرده است سپس آقای (م. ج) درخواست اعمال ماده ۲۶۸ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب را ننموده که پرونده در دادرسی دیوانعالی کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و احد از آقایان دادیاران دادرسی مذکور چنین اظهار کرده است: (آنچه از مجموع محتوای پرونده احراز می شود این امر است که کلیه اقدامات فیما بین قبل از تصویب و لازم الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ بوده است و یا فرض احراز جعل و استفاده از سند معمول و خیانت در امانت که دادگاه جعل و استفاده از سند معمول را مقدمه خیانت در امانت گرفته است می بایست کیفر جرم را بر اساس قانون تعزیرات سابق (ماده ۱۱۹) تطبیق و اعمال می نمود در حالی که دادگاه محترم بدوی به اسناد ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تعیین کیفر به حبس و سپس تقلیل و تخفیف آن به چهار میلیون جزای نقدی کرده است در حالی که مطابق قانون، کیفر مجرم باید مطابق قوانین موضوعه حین ارتکاب جرم باشد مگر اینکه قانون مؤخر التصویب هنگام انشاء رأی اخف از قانون قبل باشد علیهذا از جهت مذکور رأی محکومیت غلط